



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۱ تاریخ: ۱۹/۱۱/۷۹

عنوان کلی جلسه:

۱ - انتظارات از مدل طبقه‌بندی نقدها

۲ - پیشنهاد اولیه در مدل طبقه‌بندی

× مقدمه

این جلسه در حقیقت اولین جلسه، از مباحث ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه می‌باشد که طبق روال منطقی کار پژوهش دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، ابتدا روش ارزیابی بر اساس فلسفه نظام ولایت تولید می‌گردد و سپس بر اساس آن روش، طبقه‌بندی و ارزیابی نقدهای موجود آغاز می‌گردد.

در این جلسه ابتدا انتظارات از مدل طبقه‌بندی نقدهای موجود بررسی گردیده و سپس اولین گمانه پیرامون این مدل و توضیحاتی پیرامون آن طرح گردید.

۱ - انتظارات از مدل طبقه‌بندی نقدهای موجود

مدل یا روش ارزیابی و طبقه‌بندی نقدهای موجود بر برنامه دوم توسعه باید دارای

خصوصیات زیر باشد:

الف) بگونه‌ای جامع باشد که بتواند تمامی نقدها را پوشش دهد.

ب) این مدل باید بتواند دین برنامه را نشان دهد، یعنی باید بتواند براحتی مبانی، استراتژی و نظام وابستگی خود ناقد را نشان دهد.

ج) این مدل باید نسبتی با دین اسلام داشته باشد.

د) راحتی بتوان با در دست داشتن آن، نقدها را مطالعه و جایگاه آنها را مشخص و کارآیی آنها را ارزیابی کرد.

۲- مدل ارزیابی نقدهای موجود (پیشنهاد اولیه)

این مدل اولیه از دو دسته اوصاف تشکیل گردیده است که اوصاف در سطر «جهانبینی، استراتژی، نظام وابستگی» و اوصاف در ستون «مبانی، مقدورات و موانع، الگوی تخصیص» می‌باشد.

جهانبینی: نحوه نگرش به جهان، جامعه و فردی را مشخص می‌سازد به اینکه مثلاً در جهان ماده اصل است یا چیزهای دیگری اصل می‌باشد. بر اساس جهانبینی مبانی بدست می‌آید به اینکه مثلاً اگر اصل در جهان ماده است در انسان انگیزشهای مادی اصل است. به تعبیر دیگر گاه مثلاً مبنا سرمایه و حفظ سود آن و گاه کار و ارزشمندی آن می‌باشد.

مقدورات و موانع: بر اساس مبانی، مقدورات و موانع مشخص می‌گردد. مثلاً بر اساس مبنای نظام سرمایه‌داری، مصرف نکردن، زهد، کوچک کردن دنیا و... همه و همه مانع توسعه شمرده می‌شود.

الگوی تخصیص: پس از شناسایی موانع و مقدورات بر اساس مبانی، در قدم بعد از طریق الگوی تخصیص مقدورات به حل موانع، موضوع در جریان تکامل، تبدیل می‌شود.

۱/۲- اوصاف زیربخش مقدورات و موانع

مقدورات «انسانی، ابزاری، امکانی» بزرگترین دسته‌بندی از مقدورات می‌باشد که هر یک دسته‌بندیهای زیربخش خود را دارد که بالطبع بر اساس مبانی مختلف نحوه نگرش به این مقدورات و جایگاه آنها متفاوت خواهد بود.

مقدورات انسانی: اوصاف مقدورات انسانی در دو دستگاه الهی و مادی متفاوت است. در دستگاه الهی «انگیزه، اندیشه، رفتار» یا به تعبیر عینی «اعتقادات، تحصیلات،

کار» به عنوان شاخصه‌های مقدورات انسانی می‌باشد. ولی در دستگاه مادی شاخصه‌های مقدورات انسانی، «تحصیل، اشتغال و مصرف» می‌باشد. یعنی به جای اعتقادات انسان، نیاز مصرفی و یا نیاز به دنیا را طرح می‌کند که تعبیر دیگر آن دین دنیاپرستی می‌باشد که حاکم بر روح مادی انسان غربی است. لذا بر اساس این دستگاه، انسانی که ساده زندگی کند و مصرف دائم‌التزاید نداشته باشد، انسانی نرمال نمی‌باشد.

مقدورات ابزاری: ابزارها می‌توانند به سه گونه «ساده، مکانیکی، الکتریکی یا الکترونیکی» باشند که هر یک از این ابزارها متناسب با مقدورات انسانی خاص خود می‌باشند.

۲/۲ - ذکر دو نکته پیرامون اوصاف مدل طبقه‌بندی

نسبت به اوصاف مدل پیشنهادی ذکر دو نکته لازم است:

اولا: اگر چه این اوصاف در اینجا به عنوان، اوصاف روش ارزیابی نقدهای بر برنامه مطرح گردیده است ولی در حقیقت این اوصاف، اوصاف نقد برنامه هم می‌باشند، یعنی هر برنامه‌ای خود شامل مبانی، مقدورات و موانع و الگوی تخصیص می‌باشد و برای نقد آن می‌بایست به این سه وصف در آن توجه داشت. به عبارت دیگر این اوصاف، هم اوصاف دین نقد و هم اوصاف دین برنامه می‌باشند.

ثانیا: هر ناقدی همواره «جهانبینی، استراتژی و نظام وابستگی» و «مبانی، مقدورات و موانع، الگوی تشخیص» پذیرفته شده‌ای را مبنای نقد خود قرار می‌دهد هر چند خود او در نقدش به این پذیرفته شده‌های خود توجه کامل نداشته باشد.

همچنین هر ناقدی در نقد خود گاه تمامی این اوصاف و گاه یکی از این اوصاف را موضوع نقد خود قرار می‌دهد، مثلا تنها به نقد مبانی یا استراتژی و یا نظام وابستگی می‌پردازد.

۴ گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

با توجه به این نکته، برای بررسی یک نقد، علاوه بر بررسی موضوع نقدِ ناقد باید مبانی، استراتژی و نظام وابستگی پذیرفته شده ناقد را هم مورد توجه داشت.
«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۲ تاریخ: ۲۵/۱۱/۷۹

عنوان جلسه: بررسی اوصاف مورد نیاز در تولید مدل ارزیابی نقدها

× مقدمه

بیان گردید که مقدم بر ارزیابی نقدها، بدست آوردن روش یا مدل ارزیابی نقدها می باشد که در قدم اول، می بایست اوصاف متناسب بدست آید و سپس با ضرب آن اوصاف، مدل ماتریستی شکل بگیرد. در این جلسه هم در ادامه جلسه گذشته، ابتدا تفاوت الگوی ارزیابی نقدها با الگوی نقد، بررسی گردید و سپس پیرامون بعض از اوصاف مطرح شده در جلسات گذشته، بررسی و مقایسه ای صورت گرفت و در آخر روند کار در جلسات آتی طراحی گردید.

۱ - تفاوت الگوی ارزیابی نقدها با الگوی نقد

در ابتدا مطرح گردید که الگوی نقد با الگوی ارزیابی نقدها چه تفاوتی دارد؟ در جواب بیان گردید که بر اساس الگوی ارزیابی نقدها تنها نقدهای موجود طبقه بندی شده و وزن هر نقد مشخص می گردد و ضرورت نقد جدید اثبات می گردد. اما بر اساس الگوی نقد جریان تکامل تحول داده می شود، یعنی بر اساس الگوی نقد

قدرت پیش‌بینی، هدایت و کنترل بدست می‌آید. بنابراین در الگوی ارزیابی نقدها اصلاً بدنبال این نیستیم که ببینیم آیا این نقد خاص توانسته است، جریان تکامل را ببیند یا خیر؟ بلکه فقط نوع و وزن آن نقدها را مشخص می‌کنیم.

بر این اساس تفاوت مدل مفاهیم الگوی ارزیابی نقدها با مدل مفاهیم الگوی نقد تفاوت جدی پیدا می‌کند به اینکه در اولی تنها یک طبقه‌بندی انجام می‌گیرد. مثلاً یک جدول ماتریستی ۲۷ تایی بدست می‌آید که هر کدام جداگانه ملاحظه می‌شود و اصلاً ارتباط آنها به یکدیگر و تأثیر بهینه هر یک در دیگری ملاحظه نمی‌گردد اما در مدل الگو نقد اگرچه باز جدول ماتریستی در ابتدا درست می‌شود و اما جریان تکامل در آنها ملاحظه می‌گردد به اینکه بهینه هر یک چه نسبتی با بهینه دیگری و بهینه کل و یا برعکس دارد.

۲- بررسی و مقایسه اجمالی بعضی از اوصاف مطرح شده

در جلسه گذشته اوصاف سه گانه متعددی برای تنظیم مدل پیشنهاد گردید که من جمله آن اوصاف زیر می‌باشد.

«جهان‌بینی، استراتژی، نظام وابستگی»، «مبنا، مقدمات و موانع، الگوی تخصیص»، «مبنا، ساختار، آثار»، «تشخیص، تخصیص، اجرا».

نسبت به این اوصاف این سؤال مطرح گردید که بعضی از این اوصاف تشابه با یکدیگر دارند که در بررسی این مطلب نکات زیر بیان گردید.

- مقدمات و موانع مطرح در این جا با مقدمات و موانع مطرح در برنامه تفاوت دارند به اینکه گاه منظور از آن، مقدر و مانع، در سال هشتم یا هفتم و نه می‌باشد که در این صورت بیشتر مربوط به برنامه است اما گاه منظور مقدر و مانع طی ۱۰ سال می‌باشد که نسبت به آن استراتژی بر اساس جهان‌بینی ذکر می‌گردد.

- منظور از استراتژی در اینجا متفاوت با سیاست‌گذاری درازمدت می‌باشد. استراتژی مربوط به یک برنامه ولو پنج ساله هم نمی‌باشد بلکه فراتر از آن می‌باشد

مثلا در نظام سرمایه‌داری بیان می‌شود که استراتژی، دائم‌افزایی سود است و مدل بر اساس آن شکل می‌گیرد.

- اوصاف «مبنا، مقدورات و موانع، الگوی تخصیص» تقریبا مشابه با اوصاف، «مبنا، ساختار، آثار» می‌باشد و قابلیت تطبیق به یکدیگر دارند. البته در صورتی که به هر دو اینها موضوعی نگاه شود و نخواهیم تعمیم بدهیم. موضوعی بدین معنا که هر دو اینها را نسبت به خود برنامه ملاحظه کنیم و الا اگر بخواهیم فراتر از برنامه نگاه کنیم، «جهانبینی، استراتژی و نظام وابستگی» تنها تعلق به برنامه ندارند، هر چند برنامه به آنها تعلق دارد.

- عام‌ترین اوصاف، اوصاف «جهانبینی، استراتژی، نظام وابستگی» می‌باشد که این سطح حتی تعلق به یک علم خاص ندارد بلکه چه در علم برنامه وجه علم جامعه‌شناسی یا علم اقتصاد باید این اوصاف به عنوان مبنای کار بررسی گردد. همچنین این اوصاف در بررسی دین برنامه یا دین ناقد در نقد خود لازم و ضروری است. به عبارت دیگر اگرچه این اوصاف مستقیما در نقدها استفاده نمی‌گردد اما ریشه خیلی از مباحث بعضی از نقدها می‌باشند مثلا بحث می‌شود که آیا این برنامه توانسته عدالت اجتماعی را حاکم کند یا خیر؟ در این صورت حتما باید تعریف عدالت و عدالت اجتماعی به جهانبینی باز می‌گردد و در آنجا دو عدالت الهی و مادی تعریف می‌گردد.

۳- بررسی وجه حسن و عیب ندیدن تناسب این اوصاف با یکدیگر

علی فرض که این اوصاف بدست بیاید، در قدم بعدی آیا لازم است ارتباط و تناسب این اوصاف با یکدیگر ملاحظه شوند و یک مدل ماتریستی یا درختی درست شود یا خیر؟

نسبت به ضرب نکردن این اوصاف در یکدیگر یک وجه حسن و یک وجه عیب مطرح است.

- وجه حُسن: در صورتی که این اوصاف ضرب نشوند دیگر نیازی به اصطلاح‌سازی و تعمیم و تخصیص مفاهیم نداریم و مستقیماً سراغ طبقه‌بندی نقدها می‌رویم و به راحتی هم بر اساس آن طبقه‌بندی و هم انتقال مطلب صورت می‌گیرد.

- وجه عیب: اگر نسبت این اوصاف با یکدیگر ملاحظه نگردد (یا بصورت درختی یا ماتریستی) الگویی درست نمی‌شود و نمی‌توان ادعا کرد که تمامی نقدها در این نظام وابسته ملاحظه گردیده است.

۴- ادامه روند کار پژوهش

با بررسی انجام شده روند کار را می‌توان اینگونه ترسیم کرد:

الف) ابتدا تمامی اوصاف استقراء شود، اوصافی که احتمال ارتباط آنها با تنظیم الگوی ارزیابی نقدها مطرح می‌باشد. در این مرحله ترتب این اوصاف به یکدیگر ملاحظه نمی‌گردد.

ب) در مرحله بعد این اوصاف بصورت تقسیم‌بندی درختی در می‌آیند که در این مرحله هرگز اوصاف به صورت یک کل ملاحظه نمی‌گردد و تنها با منطق صوری، منظم می‌شوند.

ج) در مرحله سوم، اوصاف بدست آمده با ضرب در یکدیگر، در جدول ماتریس آورده می‌شوند و طبقه‌بندی کل صورت می‌گیرد.

«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۳ تاریخ: ۲۷/۱۱/۷۹

عنوان جلسه:

- ۱ - بررسی عناوین کلان برنامه‌های موجود
- ۲ - بررسی اوصاف پایه در طبقه‌بندی نقدها

× مقدمه

در مباحث گذشته بنا شد که ابتدا اوصاف مورد نیاز، طبقه‌بندی درختی شوند و سپس مدل ماتریستی آن بدست آید. در این جلسه هم ابتدا بخشهای مختلف برنامه‌های موجود ملاحظه و طرح گردید و سپس اوصاف دیگری برای تقسیم‌بندی نقدها مطرح و بررسی گردید.

۱ - ساختار برنامه موجود کشور

بزرگترین دسته‌بندی در برنامه‌های توسعه کشور، «صنعت، کشاورزی، خدمات» می‌باشد و تمامی موضوعات زیربخش این سه قرار می‌گیرند. براین اساس بخشهای فرهنگی، علمی، هنر، آموزش عالی و... زیربخش خدمات می‌باشند زیرا وظیفه اینها خدمات گاهی ساده و گاهی فنی می‌باشند. مثلا آموزش و اشتغال به عنوان خدمات فنی مطرح می‌باشند.

در این برنامه‌ها اولاً محدودیت با صنعت می‌باشد و دیگر بخشها تابع و در هماهنگی با آنها تنظیم می‌گیرند.

ثانیا: شاخصه‌های رشد در قمستهای مختلف برنامه همان شاخصه‌های رشد در کشورهای توسعه یافته می‌باشد.

۲- طرح دو دسته اوصاف به عنوان ملاک تقسیم نقدها

در این جلسه دو دسته اوصاف دیگر برای تقسیم‌بندی نقدها مطرح گردید. «مصدق، مدل، فلسفه»: نقدهای موحود را می‌تون از زاویه موضوع نقد آنها مورد بررسی قرار داد به اینکه بعضی از نقدها، نقدهای مصداقی و بعضی از آنها نقدهای به مدل برنامه و بعضی از آنها نقدهای به فلسفه مدل برنامه می‌باشد. در اینجا تنها به چند خصوصیت پیرامون نقدهای مصداقی - که معمولا نقدهای موجود از این نوع هستند - اشاره می‌گردد.

- نقدهای مصداقی نقدهایی هستند که ناظر به خود برنامه می‌باشند که در این نقدها یا کلیه بخشهای برنامه یا یک بخش از برنامه یا یک موضوع از آن مد نظر می‌باشند.

- در جایی که موضوع نقد، کلیه بخشهای برنامه می‌باشد تنها به جمع کمی بخشهای برنامه توجه می‌شود و نه اینکه نسبت بخشهای مختلف با یکدیگر در جریان رشد ملاحظه گردد.

- در این نقدها معمولا آثار موضوع بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد و از حیث آثار اجتماعی برنامه یا نوع تخصیص بودجه نسبت به آن، اشکالات ملاحظه و طرح می‌گردد و دیگر کاری به بازگرداندن آن اشکال به الگو یا فلسفه مدل ندارند.

- تحلیلهای که در این نقدها صورت می‌گیرد خود به سه صورت می‌باشد به اینگونه است که تنها تحلیل بیان می‌شود و دیگر آمار کمی هم ذکر نمی‌گردد و تنها به سفارشات کلی بسنده می‌کنند یا اینکه تنها آماری ذکر می‌شود و مثلاً بیان می‌شود

که این مقدار قرار بود رشد در این بخش صورت بگیرد اما صورت نگرفت و یا اینکه علاوه بر این آمار، تحلیل هم نسبت به آن صورت می‌گیرد.

«سازمان، برنامه، گردش عملیات»: نقدهای موجود نسبت به برنامه توسعه گاهی موضوع نقد خود را سازمان برنامه و گاهی خود برنامه و گاهی گردش عملیات برنامه قرار می‌دهند. مثلاً گاه مطرح می‌شود که در این برنامه دولت باید ناظر باشد تا مجری و یا مطرح گردد که این برنامه باید برنامه نظارت باشد و نه برنامه اجرایی.

۳- طرح عناوین مطرح شده در سه سطح

با مقایسه عناوین پیشنهادی در این جلسه و جلسات گذشته می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که نقدهای موجود را می‌توان در سه سطح طبقه‌بندی کرد.
سطح اول: نقدهای که ناظر به امور عمومی برنامه می‌باشند که همانا «جهان بینی، استراتژی، نظام وابستگی» می‌باشد.

جهان بینی برنامه در اینجا اعم از مبنای اقتصاد و یا فلسفه اقتصادی می‌باشد. همچنین نظام وابستگی در اینجا متفاوت با مدل در سطح بعدی می‌باشد. در نظام وابستگی، نظام متغیرها به صورت کیفی ملاحظه می‌گردد.

بنابراین بر اساس جهان‌بینی، استراتژی ملاحظه می‌گردد مثلاً آیا استراتژی صلح است یا جنگ و یا ... سپس بر اساس این استراتژی نظام متغیرها ملاحظه می‌گردد و بر اساس آن فلسفه مدل و مدل و برنامه تنظیم می‌شود.

سطح دوم: نقدهائی که ناظر به امور خاص برنامه می‌باشند که همان «فلسفه مدل، مدل، مصداق» می‌باشد. یعنی از این زاویه به بررسی برنامه می‌پردازند. مدل به معنای مدل تنظیم نسبت بین متغیرها و فلسفه هم به معنای فلسفه این نسبتها و مصداق هم خود برنامه می‌باشد.

۱۲ گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

سطح سوم: نقدهائی که ناظر به امور ویژه برنامه می‌باشند. یعنی از زاویه «مبنا، مقدمات و موانع، الگوی تخصیص» به برنامه نگاه می‌کنند و آن را مورد نقد قرار می‌دهند.

«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۴ تاریخ: ۲۹/۱۱/۷۹

عنوان جلسه:
بررسی برخی از اوصاف مدل ارزیابی نقدها

× مقدمه

در مباحث پیشین قرار بر این شد که ابتدا اوصاف مورد نیاز جهت تولید مدل ارزیابی، به دست بیاید و سپس آن اوصاف بررسی و تعریف گردند و در آخر تقسیم درختی و مدلی آنها بدست بیاید.

در این جلسه بعضی از این اوصاف بررسی و تعریف گردید. البته ابتدای جلسه، اوصاف مطرح شده در یک نگاه کلی با توجه به موضوع پژوهش به سه دسته زیر تقسیم گردیدند و در همین دسته‌بندی تعریف شدند.

- نقدهای ناظر به امور عمومی برنامه «جهانبینی، استراتژی، نظام وابستگی»

- نقدهای ناظر به امور اقتصادی برنامه (خاص) «مبنا، مقدرات و موانع، الگوی

تخصیص»

- نقدهای ناظر به امور ویژه برنامه «تشخیص، تصمیم، اجراء»، «سازمان، برنامه، اجراء»

۱- نقدهای ناظر به امور اقتصادی برنامه

بعضی از نقدها انجام گرفته بر برنامه تنها به امور کلان اقتصادی برنامه می‌پردازند به اینکه مثلاً مبنا، مقدرات و موانع و یا الگوی تخصیص در برنامه چه بوده است و از این زاویه برنامه را نقد می‌کنند.

علت اینکه این امور به امور اقتصادی تعبیر شده است بدین خاطر است که در برنامه موجود کشور به این امور تنها نگرش اقتصادی داشته‌اند، هرچند می‌توان این امور را نسبت به امور فرهنگی و سیاسی روی هم ملاحظه کرد.

۲- نقدهای ناظر به امور ویژه برنامه

دسته‌ای از نقدها موجود تنها به محتوای برنامه دقت می‌کنند و از زوایای مختلفی مثل «تشخیص، تخصیص، اجراء» و «سازمان، برنامه، گردش عملیات» به بررسی نارسائی‌های برنامه می‌پردازند.

منظور از نقد برنامه از زاویه سازمان آن اینست که هر برنامه‌ای هماهنگی با سازمانی خاص دارد و تنها در صورتی کارآمد می‌شود که سازمان متناسب با آن هم طراحی شده باشد و یا با سازمان موجود هماهنگ شود.

همچنین تفاوت برنامه در این مرحله با برنامه کلی در اینست که منظور از برنامه در اینجا برنامه تفصیلی است که بعضی از نقدها به این برنامه تفصیلی برمی‌گردند. به عبارت دیگر برنامه دوم توسعه با برنامه یک وزارتخانه برای انجام دادن وظیفه محوله شده به او در برنامه پنج ساله، تفاوت دارد.

۳- بررسی دیگر عناوین مطرح شده

عناوین دیگری از قبیل «مصدیقی، استدلالی، مبنائی»، «تطبیق، تنظیم، مبنا» و... در جلسات گذشته مطرح گردید که به جهت شمولیت اوصاف بررسی شده دیگر نیازی به این عناوین نیست. مثلاً معنای تطبیق همان تشخیص است.

البته سه وصف «موردی، موضوعی، بخشی» هم مطرح گردید که این اوصاف ناظر به نوع نقدهایی است که مطرح می‌باشند و بدین معنا هستند که گاه یک نقد تنها یک جهت از یک موضوع را مورد دقت قرار می‌دهد و گاه تمام جهات یک موضوع و گاه بالاتر از این، موضوعات همگن را بررسی می‌کند.

نسبت به این سه وصف این نکته قابل دقت است که این اوصاف را می‌توان به اوصاف ۱۵ گانه بررسی شده در جلسات گذشته اضافه کرد.

در آخر جلسه این نکته مهم بیان گردید که بعضی از نقدها، فراتر از یک برنامه می‌باشند مثلاً روند توسعه در ایران را در گذشته و حال نقد می‌کنند. در اینصورت این نقدها اگر چه از موضوع پژوهش این طرح خارج هستند اما در صورتی که پیامدهای منفی را به برنامه منتهی کنند می‌توان از آنها در این پژوهش استفاده کرد.

والسلام

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۵ تاریخ: ۲/۱۲/۷۹

عنوان جلسه:

- ۱ - نقدهای به کل برنامه موضوع ارزیابی
- ۲ - اهداف از ارزیابی نقدهای موجود

× مقدمه

در سیر مباحث، بدین نتیجه رسیدیم که ابتدا اوصاف را به عنوان تقسیم‌بندی نقدها از زوایایی مختلف بدست بیاوریم و سپس بر اساس آن اوصاف، مدل ماتریسی برای طبقه‌بندی نقدها را تولید کنیم. در جلسات گذشته بعضی از این اوصاف ذکر گردید. در این جلسه هم ابتدا نسبت به محدوده کار مباحثی طرح گردید و سپس اهداف از ارزیابی نقدها بیان شد و در آخر مراحل عملیاتی و نحوه ادامه روند مباحث ذکر گردید.

۱ - نقدهای به کل برنامه، موضوع ارزیابی

در ابتدا جلسه مطرح گردید که نقدهای موجود در سه دسته مطرح می‌باشند، نقدهائی که به یک موضوع از برنامه و نقدهائی که به یک بخش از برنامه و نقدهائی که به کل برنامه پرداخته‌اند، البته یک سری از نقدهائی هم می‌باشند که فراتر از برنامه می‌باشند.

حال اگر ما موضوع کار را تمامی این نقدها قرار بدهیم اولاً: کار خیلی گسترده می‌شود و بررسی آنها نیازمند اطلاعات تخصصی بالائی می‌باشد ثانیاً: موضوع قرارداد ما هم ارزیابی نقدهائی می‌باشند که به برنامه دوم وارد شده‌اند. از طرفی هم اگر فقط به بررسی نقدهائی پردازیم که موضوع نقد آنها کل برنامه آنهم برنامه دوم می‌باشد با دو اشکال روبرو می‌شویم اولاً: چنین نقدهائی خیلی کم هستند. ثانیاً: اگر ما بخواهیم با این ارزیابی طرف قرارداد را متوجه این مطلب کنیم که نقدهای موجود اصلاً به الگو و ناهنجاریهای آن پرداخته‌اند، آنها می‌گویند: این را ما می‌دانستیم و نیازی به این هزینه نبود و لذا کار بی‌فایده می‌شود.

در پاسخ به این اشکالات بیان گردید که ما در این طرح می‌خواهیم اثبات میدانی بکنیم که نقدهای موجود اگرچه ناهنجاریها را شناسائی کرده‌اند اما علت اصلی این ناهنجاریها را نمی‌شناسند و علت این نشناختن هم عدم وجود بستر اجتماعی و فرهنگ مناسب برای نقد است. به عبارت دیگر ما می‌خواهیم اثبات کنیم که علت این مشکلات، عدم تناسب الگوی برنامه با رفتارهای اجتماعی می‌باشد و به این نکته کارشناسان توجهی ندارند و اصلاً درکی از الگو ندارند. لذا در صورت عدم توجه به ناهنجاریهای الگوی برنامه، هیچگاه دولت و مجلس قادر نخواهند بود که ناهنجاریهای اجتماعی را کنترل کنند و همواره در طول جریان برنامه در جامعه اخلاهای شدیدی رخ می‌دهد و هر دو مجبورند برای رفع این ناهنجاریها، بصورت انفعالی، قوانینی اصلاحی به برنامه تزریق کنند که در این کار هم چون تناسب رعایت نمی‌شود به ناهنجاریهای بیشتری دامن می‌زنند.

۲- اهداف از ارزیابی نقدها

قبل از پرداختن به ادامه بحث، نیاز است که انتظارات و اهداف از ارزیابی نقدها مشخص گردد تا در سایه آن نحوه گزینش اوصاف کیفیت و تنظیم مدل مشخص گردد.

سه هدف عمده نسبت به این ارزیابی مد نظر می‌باشد:

هدف اول: با طبقه‌بندی موضوعی نقدها در ابتدا نشان می‌دهیم که اکثر نقدها نقدهای موردی می‌باشند و اصلاً به ناهنجاریهای الگو نپرداخته‌اند و علت آن هم عدم ادراک اجتماعی نسبت به جامعه، برنامه و مدل برنامه می‌باشد و البته علت عدم ادراک اجتماعی، عدم وجود بستر مناسب و یا فرهنگ نقد است.

هدف دوم: پس از اثبات عدم وجود بستر مناسب برای نقد، در قدم دوم، هدف ارزیابی نقدها، نشان دادن این مطلب است که این ناقدین محترم حتی در نقدهای موضوعی یا بخشی هم که وارد شده‌اند به روش نقد توجه نداشته‌اند و لذا نتوانسته‌اند نقد کارآمدی ارائه بدهند. مثلاً عوامل درونی و بیرونی را در نقد یک موضوع ملاحظه نمی‌کنند و و یا ناهنجاری را تا مدل و الگو پیش نمی‌برند.

هدف سوم: هدف سوم از ارزیابی نقدهای اینست که نشان دهیم که در روند شکل‌گیری برنامه تا اجرا، برنامه معمولاً تغییراتی می‌کند یعنی برنامه در سازمان برنامه تدوین و سپس دولت آنرا اصلاح می‌کند و سپس مجلس آن بررسی و اصلاحات درباره آن صورت می‌گیرد.

حال ما می‌خواهیم نشان دهیم که برنامه در این روند این تغییرات را کرده و علت تغییرات هم ناهماهنگی در اصل برنامه می‌باشد و اینکه برنامه براساس الگوی کامل بنا نهاده نشده و لذا برنامه همواره در روند خود تا اجرا نیازمند تغییرات و تعمیر می‌باشد و این از ضعف نهاد برنامه‌ریزی می‌باشد. یعنی نشان بدهیم که در هیچ یک از مراتب و سطوح تغییر برنامه هیچگاه به تأثیر مدل در ناهنجاریهای ایجاد شده توجه نشده است.

بنابراین اگر بخواهیم با نگاه دیگر به این اهداف بنگریم می‌توان اینگونه بیان کرد که در روند این ارزیابی نقدها ما می‌خواهیم ۶ نقد اساسی به نحوه ادراک ناقدین (و بالاتر از آن برنامه‌نویسان و مجریان) از برنامه و نقد برنامه داشته باشیم.

۲۰ گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

۱ - نقد فهم از جامعه

۲ - نقد فهم از الگو

۳ - نقد فهم از برنامه

۴ - نقد فهم از علل تغییرات برنامه از تدوین تا اجرا

۵ - نقد برنامه از موضوعات برنامه

۶ - نقد روشهای نقد

۳ - مراحل عملیات کار در روند مباحث

پس از بررسی اهداف در ارزیابی نقدها می‌توان به صورت عملیاتی سه مرحله را تصویر کرد:

مرحله اول: در مرحله اول کار، نقدهای موجود به برنامه جمع‌آوری می‌شود و بر اساس مدل (که ابتدا مدل تنظیم می‌شود) آن نقد طبقه‌بندی می‌شوند. در این قسمت فرهنگ نقد زیر سؤال می‌رود و هدف اول تأمین می‌شود.

مرحله دوم: در مرحله دوم کار، روش نقد در نقدهای موجود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته در این مرحله موضوع کار از نقدهای بر برنامه دوم فراتر می‌رود. یعنی تمامی نقدها (نقدهای به کل برنامه به بخش‌های برنامه و هم نقدهای موردی) را شامل می‌شود.

مرحله سوم: در مرحله سوم مدل حاکم بر روشن ارزیابی نقدها بدست می‌آید که البته در سایه همین مدل هم می‌توان به طبقه‌بندی نقدها در مرحله اول پرداخت. لذا با توجه به این نکته بهتر است که ابتدا مدل بدست بیاید و سپس این مراحل به ترتیب طی می‌شود.

«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۶ تاریخ: ۳/۱۲/۷۹

عنوان جلسه:

بررسی تعاریف «جهان‌بینی، استراتژی و نظام وابستگی»

× مقدمه

در جلسات قبلی اوصافی جهت شکل‌دهی مدل بیان گردید و سپس قرار شد که ابتدا آن اوصاف طبقه‌بندی درختی و بعد به شکل ماتریسی شوند. قبل از این هم بیان شد که باید برای هر کدام از این اوصاف متناسب با موضوع پژوهش تعریفی روشن ارائه گردد. در این جلسه نسبت به سه اصطلاح «جهان‌بینی، استراتژی و نظام وابستگی» مطالبی بیان گردید.

۱- بررسی تعریف جهان‌بینی و نحوه ارتباط آن با برنامه

- جهان‌بینی به معنای بینش نسبت به جهان، حیات، انسان و جامعه.

در این مرحله سه نوع فلسفه شکل می‌گیرد، فلسفه اصل هستی، فلسفه چیستی و فلسفه چگونگی. در جهان‌بینی ممکن است از جهان تعریف مادی ارائه شود مانند

اصل بقاء ماده و انرژی و یا ممکن است جهان‌بینی الهی باشد و در آن اختیار اصل باشد.

- شاید این سؤال در اینجا مطرح شود که چرا در ابتدا علی‌المبنا به جای گرایش، از اوصاف بینشی استفاده گردید. در جواب باید گفت که هرچند گرایش اصل است اما جهان‌بینی در اولین مرتبه، گرایش را تفصیل می‌دهد. بنابراین اگر بخواهیم گرایش را از اجمال خارج کنیم و به تحلیل بکشانیم باید در جهان‌بینی و فلسفه بیاید. به عبارت دیگر هرچند انگیزه موضوعا موضوعی گرایشی است ولی تحلیل آن در جهان‌بینی صورت می‌گیرد.

- باید توجه داشت که رفتار عمومی مردم همواره متناسب با یک جهان‌بینی خاص شکل می‌گیرد و اگر برنامه‌ای بخواهد برنامه‌ای موفق باشد باید هماهنگ با این جهان‌بینی حاکم بر رفتار مردم باشد چراکه برنامه خود ابزار هدایت رفتار عمومی مردم است و اگر رفتار مردم یک رفتار الهی باشد و برنامه بر طبق چنین رفتاری تنظیم نشده باشد، آن برنامه به بن‌بست برخورد می‌کند. بر این اساس نه تنها برنامه بلکه استراتژی، الگو و نظام وابستگی هم باید هماهنگ با جهان‌بینی حاکم بر رفتار عمومی مردم باشند.

- نسبت به جهان‌بینی این نکته مهم قابل دقت است که نه تنها معادلات کیفی اجتماعی بلکه معادلات ریاضی هم بر اساس جهان‌بینی خاصی شکل می‌گیرند.

۱/۱ - لزوم ارزیابی نقدها از منظر جهان‌بینی

ریشه‌ای‌ترین سطح در بررسی ناهنجاریهای برنامه، دقت در جهان‌بینی حاکم بر استراتژی، الگو، نظام وابستگی و مدل برنامه می‌باشد به اینکه آیا برنامه هماهنگی با جهان‌بینی الهی دارد یا خیر؟

بر این اساس در ارزیابی نقدها باید به این مسئله توجه داشت که آیا نقدهای انجام گرفته اولاً: اصلاً به جهان‌بینی حاکم بر برنامه توجه داشته‌اند و توانسته‌اند نقد خود را

تا این حد ریشه‌ای کنند و ثانیاً: اگر هم توجه نداشته‌اند، نقد آنها بر اساس چه جهان‌بینی بنیان نهاده شده است و چه بسا در این نحوه ارزیابی به راحتی در می‌یابیم که علت ناکارآمدی بسیاری از نقدها، عدم توجه به این مسئله ریشه‌ای می‌باشد.

همچنین در بررسی جهان‌بینی حاکم بر برنامه باید به این نکته اساسی توجه داشت که جهان‌بینی اسلامی گاه در رفتار مردم ملاحظه می‌گردد که بر اساس چنین جهان‌بینی ضد ارزش را مردم با توجه به مناسک دین در همه شئون تعریف می‌کنند. اما گاه تحلیل این جهان‌بینی، بر اساس فلسفه‌ای خاص صورت می‌گیرد که در آن حوزه‌های مختلف معرفتی از یکدیگر جدا ملاحظه می‌گردند و دین تنها در حوزه‌های شرعیات معنا می‌گردد و در کنار آن دو حوزه عقل و تجربه معنا می‌گردد که به نظر می‌رسد چنین جهان‌بینی هماهنگ با جهان‌بینی هماهنگ با جهان‌بینی پرورشی حاکم بر رفتار مردم نمی‌باشد و مخصوصاً در این زمان دین حاکم بر مدل همانند خود مدل باید هماهنگی کامل بین انگیزش عمومی، افکار و اعمال انسان در جامعه ایجاد کند و این هماهنگی تا ایجاد مفاهیم و ابزارهای کارآمد پیش رود.

۲- بررسی تعریف استراتژی

پس از مشخص شدن تعاریف از تاریخ، جامعه و فرد در جهان‌بینی، بر اساس آن تعاریف، استراتژی مشخص می‌گردد. استراتژی به معنای تعریف از تکامل است که بر اساس آن تعریف، سیاستهای دراز مدت در برنامه مشخص می‌گردد.

به عبارت دیگر جهان‌بینی تعریف را تمام می‌کند مثلاً اینکه انسان اختیار دارد یا خیر؟ سپس بر اساس آن علوم مختلف - که همانا دانش برنامه‌ریزی هستند - شکل می‌گیرند.

بنابراین استراتژی به معنای استراتژی تکامل اجتماعی در کلان‌ترین سطح آن می‌باشد که محور برنامه می‌باشد و این استراتژی بر استراتژی تمامی بخشها مثلاً بخش اقتصاد حاکم است. بعنوان مثال گاه استراتژی یک برنامه «به حد اکثر رساندن

۲۴ / گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

رفاه مادی» است و یا مثلاً استراتژی کرامت سرمایه و سرمایه‌دار می‌شود و یا به تعبیر دیگر، تأمین امنیت سرمایه می‌شود و بر اساس آن نظام تولید، توزیع و مصرف معین می‌گردد.

۳- بررسی تعریف نظام وابستگی

پس از تعیین استراتژی، نوبت به تنظیم نسبت‌های کلان بر اساس مدل تکامل اجتماعی می‌رسد که در این مرحله (نظام وابستگی) مدل تکامل اجتماعی در عالی‌ترین سطح آن طراحی می‌گردد.

«والسّلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۷ تاریخ: ۴/۱۲/۷۹

عنوان جلسه:

تعریف اوصاف عمومی و خصوصی الگوی ارزیابی نقدها

× مقدمه

در جلسات قبل اوصاف مدل ارزیابی بیان و تعاریف اجمالی آنها بررسی گردید. همچنین یک دسته‌بندی کلی تحت «اوصاف عمومی، اوصاف خصوصی و اوصاف اجرائی» نسبت به اوصاف مطرح گردید. حال در این جلسه مروری دوباره به تعاریف اوصاف با توجه به دسته‌بندی جدید می‌شود.

۱ - تمرین اوصاف عمومی پایه در ارزیابی نقدها

آنچنانکه قبلاً گفته شد مدل ارزیابی دارای سه سطح از اوصاف می‌باشد که سطح اول آن اوصاف عمومی پایه می‌باشد در این سطح ارزیابی نقدها از پایگاه جهان‌بینی، استراتژی و نظام وابستگی صورت می‌گیرد. بر همگان مشخص است که برنامه‌ریزی تنها برنامه‌ریزی اقتصادی نیست یعنی برنامه تنها برای هزینه کردن یک پول یا درست

کردن یک چیز و یا دادن یک خدمت نیست بلکه برنامه از طریق خدمات و بخش عمرانی رفتار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را هدایت می‌کند. لذا موضوع برنامه اصولاً رفتار جامعه از جهت خاص است. با این نگاه حتماً باید رفتار و هویت یک جامعه را شناخت و بر اساس آن هویت برنامه‌ریزی کرد. اگر در جامعه‌ای انگیزه مذهبی حاکم است باید هماهنگی رفتارهای اجتماعی بگونه‌ای باشد که منافی این انگیزه نباشد و در صورت عدم توجه به این مهم، باید پذیرای ناهنجاریهای شدیدی در جامعه شد.

با این بینش حتماً باید در برنامه، توجه خاص به جهان‌بینی، استراتژی و ... خلاصه اوصاف عمومی داشت تا برنامه دچار چالش اساسی نگردد.

جهان‌بینی: در جهان‌بینی شناسائی جهان، انسان و طبیعت صورت می‌گیرد که این شناخت اصلی‌ترین شناخت پایه‌ای در برنامه‌ریزی است.

استراتژی: بر اساس جهان‌بینی سیر تکامل تاریخ بررسی می‌گردد و در حقیقت در این بخش فلسفه تکامل تاریخ تبیین می‌گردد.

نظام وابستگی: در این قسمت فلسفه تکامل جامعه بر اساس مباحث قبل صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر نظام وابستگی تغییرات، مدل تکامل رفتار اجتماعی می‌باشد.

۲- تعریف اوصاف عمومی در ارزیابی نقدها

اوصاف عمومی در ارزیابی نقدها «فلسفه مدل، مدل، مصداق» می‌باشد که تعریف این اوصاف بر پایه اوصاف عمومی پایه صورت می‌گیرد.

فلسفه مدل: در مدل نسبت بین متغیرها معین می‌شود اما در فلسفه مدل علت برقراری این نسبتها تبیین می‌گردد. همچنین در فلسفه مدل بحث پیرامون متغیر اصلی در مدل صورت می‌گیرد به این معنا که مثلاً آیا متغیر اصلی «سود دهی اقتصادی» یا چیز دیگری می‌باشد. در برنامه‌های موجود معمولاً متغیر سوددهی اقتصادی منظور

شده است و از این زوایه حتی به فرهنگ و سیاست هم نظر می‌گردد. لذا در جایی که از لحاظ سیاسی مثلاً صلاح نیست رابطه‌ای برقرار گردد اما دستگاه اقتصادی، کشور را ملزم به رابطه می‌کند چرا که سوددهی اقتصادی محور است.

مدل: بر اساس فلسفه مدل نسبت بین متغیرها تنظیم می‌گردد و مدل شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر در مدل تنظیم بین متغیرها، توزین کردن آنها برای وابستگی مجموعه به هم، حول متغیر اصلی صورت می‌گیرد. لذا اگر متغیر اصلی سود باشد بقیه امور بر اساس آن تنظیم می‌گردد.

به نظر می‌رسد که مدل برنامه‌های موجود مدلی مادی می‌باشد که تمام توجهش به سود اقتصادی است و تنها به نسبت بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و نسبت بین صادرات و واردات و خلاصه نسبت بین برنامه و راندمان (سود اقتصادی) فکر می‌کند و تنها خودش را مسئول بهره‌وری اقتصادی جامعه می‌داند و از آنجا که ارزشهای انقلاب لوازم خاص خود را دارد به صورت تألیف در عمل مجبور می‌شود مثلاً برای تأمین عدالت اجتماعی یک دفعه به صورت کاذب سوبسیدهای را پردازد دو یا برای اینکه بخش فرهنگ را رها نکرده باشد به آن بخشهای فرهنگی خارج از برنامه و به عنوان پولهای هدر رفته، کمکهای کنند.

مصادق: پس از تعیین مدل، بر اساس آن، برنامه به نحو عام تدوین می‌گردد. یعنی سرفصلهای اصلی برنامه به صورت عمومی تنظیم می‌گردد و منظور از عمومی هم این است که مقدمات و مبانی خاص در اینجا مد نظر نمی‌باشد.

مثلاً گفته می‌شود متغیرهای درونزا و برونزا یک برنامه چه می‌باشد و بر اساس آن شاخصه‌ها شاخصه‌ها آمارگیری صورت می‌گیرد.

۳- تعریف اوصاف خصوصی در ارزیابی نقدها

اوصاف خاص هر برنامه، «شناخت مقدمات و موانع، شناخت اهداف و تخصیص» می‌باشد. در هر برنامه‌ای ابتدا اهداف تعیین می‌گردند و سپس بر اساس

آن مقدورات و موانع شناسائی می‌گردند و سپس مقدورات برای حل موانع تخصیص داده می‌شوند. پیرامون این اوصاف دو نکته قابل توجه است. اولاً: باید هر یک از اینها نظامند ملاحظه گردند بدین معنا که هم نظام اهداف و هم نظام مقدورات و نظام موانع ملاحظه شود و حتی در تخصیص هم باید ملاحظه نظامند داشته باشیم.

ثانیاً: مقدورات و موانع، اهداف و نظام تخصیص در دو سطح خرد و کلان قابل شناخت و بررسی می‌باشند که سطح کلان آن مربوط به خود رئیس جمهور و جلسات هیئت دولت می‌باشد که این سطح مابین مدل و اجراء برنامه است سطح دوم آن، سطح خرد می‌باشد که در آنجا هر وزارتخانه بدون توجه به وزارتخانه‌های دیگر اهداف، مقدورات و موانع و تخصیصها خود را برآورد می‌کند.

باید توجه داشت که دیدگاه کلان برای امکان تحلیل بهنجاری و ناهنجاری ضرورت دارد زیرا گزارشهای موضوعی و موردی و رشد کمی موضوعی هرگز مفهومی خوبی و بدی را نمی‌تواند تحویل دهد.

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۸ تاریخ: ۶/۱۲/۷۹

عنوان جلسه: بررسی معانی برخی اوصاف

× مقدمه

در جلسات گذشته، تعاریف برخی از اوصاف مدل ارزیابی بررسی گردید و در این جلسه هم در ادامه آن تعاریف، تعاریف بخش اوصاف خصوصی مرور می گردد و سپس کیفیت استفاده از اوصاف مطرح شده در مدل بیان می شود.

۱ - لزوم ملاحظه برنامه در دو مرحله

در جلسه گذشته بیان گردید که در اوصاف خصوصی دیگر خود برنامه ملاحظه می گردد. اما باید توجه داشت که در برنامه ریزی هم، باید دو ملاحظه خرد و کلان صورت بگیرد. در نگاه کلان هرگز موضوعات برنامه مستقل از هم دیده نمی شوند. بلکه نسبت بین آنها مورد توجه است. در حقیقت در این سطح نگرش به برنامه صرفاً از نظر نسبت و تناسباتی است که به کلان یا وصفی دیدن برنامه نسبت به اوصاف

۳۰ گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

جامعه بستگی دارد. اهداف هم در این سطح هم اهداف خاص مربوط به تغییر نسبتها می‌باشد. در نگاه خرد دیگر مرحله ساده‌سازی برنامه است، یعنی دیگر موضوعات مستقل از هم بررسی می‌گردند و برای هر یک شاخصه‌های خاص خود تعیین می‌گردد و بودجه خاص به آن تخصیص داده می‌شود.

۲- بررسی تعاریف اوصاف «تشخیص، تخصیص، اجراء»

دسته دیگر از اوصاف که در برنامه‌ریزی مورد نیاز می‌باشد، اوصاف تشخیص، تخصیص، اجراء می‌باشد. در این سطح دیگر برنامه از شکل نظامند خارج و به صورت موضوعی مستقل ملاحظه می‌گردد و تنها گزارشهای غیر تحلیلی مورد نظر می‌باشد. در این سطح دیگر پیرامون بهینه موضوعات صحبت نمی‌گردد بلکه در این سطح گزارشها و اهداف صرفاً کمی و تعریف نیازها اصلاً به نظام نمی‌شود و همچنین معنای رشد و خدمت نیز کمی است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که اوصاف قبلی مؤلفه‌های ارزیابی نظام برنامه‌ریزی و این اوصاف مؤلفه‌های ارزیابی موضوعات برنامه می‌باشند.

۱/۲- ارزیابی تشخیص‌ها و تخصیص‌های موجود در برنامه کشور

با مشخص شدن تعریف اوصاف «تشخیص، تخصیص و اجراء» و کیفیت ارتباط آنها با مدل و فلسفه مدل، به خوبی بعضی از اشکالات برنامه‌های موجود کشور از حیث تشخیصها و تخصیصهای درون آنها مشخص می‌گردد.

۱- معمولاً تشخیصها و تخصیصهای موجود پشتوانه تحلیلی ندارند و تنها گزارشهای آماری مستقل از هم تهیه می‌شود که در گزارشها هم تنها به نیاز روزمره توجه می‌شود و اصلاً توجهی به بستر هدایت نیازها توجه نمی‌گردد. به عبارت دیگر موضوع را مستقل از همه موضوعات فرض کرده با امکان تخصیص، مستقلاً به آن تخصیص اعتباری می‌دهند.

۲- از آنجا که هر تشخیص و تخصیص بر اساس شاخصه‌های تعریف شده‌ای باید انجام بگیرد در کشور ما هم این شاخصه‌ها عمدتاً شاخصه‌ها و استانداردهای جهانی ملاک قرار می‌گیرد. مشکل اصلی چنین شاخصه‌های این است که استانداردهای جهانی تنها با مدل بهینه خاص خود - که مدلی مادی می‌باشد - هماهنگ هستند و این مدل بهینه لزوماً مدل بهینه وضعیت کشور نمی‌باشد زیرا هر یک از کشورهای دنیا در چهارچوب فرهنگ و زندگی خودشان، مقدرات و موانعی دارند و معلوم نیست که استانداردهای جهانی بتوانند در همه کشورها با تمامی تفاوت‌هایشان جواب مثبت دهد.

در ثانی این شاخصه‌های جهانی بر اساس مدل تحلیل خاص می‌باشند که چه بسا اگر آن مدل - بنا بر فرض صحت آن - می‌خواست وضعیت جامعه ما را تحلیل کند، بگونه‌ای دیگر تحلیل می‌کرد.

۳- لزوم به اوصاف «سازمان، برنامه گردش عملیات» در مدل ارزیابی از دیگر اوصافی که نیاز است در تولید مدل ارزیابی به آنها دقت داشت سه وصف سازمان، برنامه، گردش عملیات می‌باشند چراکه مدتی است در نقدهای موجود کشور به این سه پارامتر توجهی خاص شده است. مثلاً بعضی به سازمان دولت اشکال می‌گیرند به اینکه دولت پیکره‌اش بزرگ شده و باید کوچک شد و یا بعضی به برنامه اشکال می‌کنند به اینکه برنامه دولت باید برنامه تقویت تعاونی‌ها باشد و نباید به بخش خصوصی زیاد پرداخت و در عوض بعضی طرح می‌کنند که دولت باید بخش خصوصی را تقویت کند و مبتنی بر سیاست خصوصی‌سازی، اقتصاد را رونق دهد.

پیرامون این سه وصف باید به این نکته اساسی دقت داشت که هماهنگی این سه در یک برنامه لازم است بدین معنا که سازمان دولت باید هماهنگی با برنامه خود داشته باشد، یعنی نمی‌توان دولت یا سازمان بزرگی را طراحی کرد که برنامه آن

خصوصی‌سازی باشد و بر عکس در چنین صورتی باید حتما دولت، دولت ناظر و کوچک باشد و بالتبع برنامه آن هم برنامه نظارتی خواهد بود. این هماهنگی باید در ریزترین ضابطه‌های سازمان برنامه دولت نفوذ کند تا در گردش عملیات مشکلی رخ ندهد.

۴ - کیفیت استفاده از اوصاف ۱۸ گانه در مدل

پس از بررسی اوصاف ۱۸ گانه، مرحله بعدی در تنظیم مدل ارزیابی، کیفیت ارتباط این اوصاف با یکدیگر و نحو تنظیم مدلی این اوصاف می‌باشد. در قدم اول اینکار ابتدا باید نسبت این اوصاف به یکدیگر را ملاحظه کرد به اینکه بررسی شود کدام وصف، وصفی شامل و کدامیک وصف مشمول می‌باشد. برای تشخیص چنین امری باید دو کار زیر صورت بگیرد:

۱ - ابتدا باید ساختار درختی این اوصاف مشخص گردد. در تنظیم ساختار درختی از روش سلب و ایجاب استفاده می‌شود و اوصاف ابتدا به دو بخش و مثلا در رده بعدی به سه بخش تقسیم می‌شوند.

۲ - پس از تنظیم درختی، شکل مدلی پیدا می‌کنند و در جدول ماتریس در یکدیگر ضرب و سپس معنا می‌شوند.

بنابراین در ابتدا باید این اوصاف را در سه دسته بزرگ اوصاف قرار داد:

اوصاف عمومی: «جهان‌بینی، استراتژی و نظام وابستگی»

اوصاف عمومی اقتصاد: «فلسفه مدل، مدل، مصداق»

اوصاف اجرا: «برنامه، سازمان، اجراء»، «تشخیص، تخصیص، اجرا»

«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۹ تاریخ: ۹/۱۲/۷۹

عنوان جلسه:

بررسی نحوه ارتباط اوصاف ۱۸ گانه در شکل دهی مدل ارزیابی

x مقدمه

در جلسات گذشته اوصاف مورد نیاز در طراحی مدل ارزیابی نقدها بررسی گردید، که تقریباً ۱۸ وصف تعریف شد. از جلسه قبل مطرح گردید که باید در ابتدا نسبت این اوصاف به یکدیگر مشخص و شامل و مشمول بودن هر یک تعیین گردد و سپس مدل ارزیابی تنظیم شود.

برای تحقق این امر قرار بر این شد که ابتدا این اوصاف تقسیم درختی شوند و سپس مدل (در جدول ماتریس) آنها تنظیم گردد.

در این جلسه هم پیرامون نحوه ارتباط اوصاف دو احتمال بررسی گردید.

۱- مراحل طولی شکل گیری برنامه

قبل از بررسی ارتباط اوصاف به یکدیگر لازم است ابتدا نگاهی به کیفیت

شکل‌گیری برنامه از ابتدا تا انتهای اجرا نظری بیفکنیم تا در سایه چنین آگاهی، نسبت اوصاف را بر یکدیگر مشخص کنیم.

شکل‌گیری برنامه در سه مرحله زیر صورت می‌گیرد:

الف: تنظیم مدل ریاضی: در این مرحله تنها مدل تنظیم نسبت‌های اوصاف برنامه تنظیم می‌گردد که این مدل قابلیت تطبیق به عینیت‌های مختلفی می‌باشد.

ب: تنظیم مدل عمومی: بر اساس مدل ریاضی، در مرتبه تطبیق به عینیت و تخصیص با ملاحظه مقذور و مانع، مدل عمومی تنظیم می‌شود. در این مدل عینی باز نظام اوصاف مد نظر است هر چند در این نظام‌سازی، نگاهی به عینیت هم می‌شود.

ج: تشخیص، تخصیص، اجرای موضوعی بدون ملاحظه نظام: در این مرحله دیگر به نظام و نحوه ارتباط نسبتها توجه نمی‌شود بلکه موضوعات مستقلا شناسائی و تخصیص اعتبار به آنها داده می‌شود.

۲- روش ارتباط اوصاف ۱۸ گانه به یکدیگر

در تنظیم ارتباط اوصاف ۱۸ گانه دو روش مطرح است:

الف: روش سلب و ایجاب و اشتراک‌گیری از خود اوصاف

در این روش به صورت سلب و ایجاب، امور مشترک اوصاف بدست می‌آید که در این روش هم ابتدا با سلب و ایجاب درست کردن یک سیر خطی درست می‌گردد و سپس بر اساس آن امور مشترک بدست می‌آید و مثلا اوصاف در سه دسته بزرگ تقسیم می‌شوند.

ب: روش اشتراک‌گیری از اثر:

در این روش مشترکات اوصاف از ناحیه کارآمدی ملاحظه می‌گردد. به عبارت دیگر در اثر، مابه‌اشتراک تعیین می‌شود.

۳- طرح سه احتمال پیرامون نحوه تقسیم‌بندی اوصاف ۱۸ گانه

پیرامون تقسیم‌بندی درختی اوصاف مطرح شده سه احتمال زیر مطرح می‌باشد

که میان آنها احتمال دوم و سوم نزدیک به هم و به عنوان مبدأ کار اختیار گردید.
 احتمال اول: تنظیم رابطه اوصاف از طریق روش سلب و ایجاب
 احتمال اول در نحوه تقسیم‌بندی درختی اوصاف این است که صرفاً با روش
 سلب و ایجاب پیش رویم و اینگونه بگوئیم

اوصاف

یا منحصر به برنامه

یا فراتر از برنامه جهان‌بینی، استراتژی، نظام وابستگی

مربوط به هر برنامه فلسفه مدل، مدل، مصداق

مربوط به برنامه خاص

یا مربوط به کل نظام «مقدورات، اهداف و تخصیص»

یا مربوط به بخش

این احتمال دو اشکال دارد اولاً از لحاظ محتوایی، تطبیق این اوصاف، غلط
 است زیرا این اوصاف همگی مربوط به کل برنامه هستند و ما اوصافی نداریم که
 تنها بخشی از برنامه را شامل شوند.

ثانیا: اینگونه تقسیم‌بندی فقط در نظم دادن و سیر خطی درست کردن بکار می‌آید اما راه حل اساسی، اشتراک‌گیری نیست و لذا باید کار بیشتری صورت بگیرد.

احتمال دوم: تقسیم‌بندی اوصاف در سه دسته زیرساختهای «بنیادین، نهادین، نمادین»

بر اساس نگرشی خاص می‌توان این اوصاف را در سه دسته قرار داد.

زیر ساختهای بنیادین: «جهان‌بینی، استراتژی، نظام وابستگی»

در بررسی عوامل بنیادین یک موضوع، ریشه و مبنا خود موضوع مطرح نیست بلکه علل پیدایش موضوع مطرح است. مثلا در تحلیل سیب به نوع ریشه و شاخه و تنه درخت سیب هم دقت می‌شود که این عوامل، به عنوان عوامل طولی شکل‌دهنده سیب در بهینه سیب باید مد نظر قرار گیرد.

زیرساختهای نهادین: «فلسفه مدل، مدل، مصداق»

در بررسی عوامل نهادین یک موضوع، ارکان یک موضوع شناسائی می‌شود. ارکان موضوع به معنای مقومات ماهیت موضوع و یا مراحل تحقق خود موضوع می‌باشند مثلا مقومات سیب، درشت بودن، شیرینی و...

تفاوت عوامل بنیادین با نهادین در این است که ارکان، ارکان خود موضوع و در داخل موضوع هستند ولی عوامل بنیادین علل پیدایش موضوع و خارج از موضوع مطرح می‌باشند. بعضی از نقدهای موجود تنها به عوامل بنیادین می‌پردازند و این عوامل را به عنوان عوامل موهوبیت موضوع مطرح می‌کنند.

زیرساختهای نمادین: «تشخیص، تخصیص، اجرا»

عوامل نمادین، عوامل و بنائی موضوع هستند. این عوامل به منزله اعراض موضوع مطرح می‌باشند. به عبارت دیگر در عوامل نمادین، محسنات تعینی و تحقیقی موضوع مطرح می‌باشند اما در عوامل نهادی اعراض و اوصاف کمال مطرح

می‌گردد.

با زبان منطق صوری می‌توان فرق این سه (بنیاد، نهاد، نماد) را اینگونه تشریح کرد که عوامل بنیادین، علل طولیه، عوامل نهادین، به منزله مقومات ماهیت (جنس و فصل) و عوامل نمادین به منزله اعراض می‌باشند.

احتمال سوم: تقسیم‌بندی اوصاف در سه دسته، «امور عمومی، امور خصوصی، امور اجرائی»

این احتمال با احتمال دوم همخوانی دارد و تنها در نام‌گذاری تفاوت دارند.

امور عمومی: جهان‌بینی، استراتژی، نظام وابستگی

عمومی بودن این امور بدین معناست که در تحلیل هر موضوعی پایه تحلیل می‌باشند.

امور خصوصی: فلسفه مدل، مدل و مصداق

این امور به معنای امور مربوط به برنامه‌ریزی می‌باشند که در تعیین کل (نظام موضوعات کل) نقش اساسی دارند، هرچند مربوط به خاص یک برنامه نمی‌باشند.

امور اجرائی: «تشخیص، تخصیص، اجرا»

در امور اجرائی دیگر مباحث خاص اجراء یک برنامه مشخص مطرح می‌گردد.

«والسلام»

گزارش نشستهای پژوهشی پیرامون
ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه
مرحله اول: تولید الگوی ارزیابی نقدها
جلسه: ۱۰ تاریخ: ۹/۱۲/۷۹

عنوان جلسه:

- ۱- انتظار از مدل ارزیابی
- ۲- بررسی اجمالی تعاریف اوصاف مدل

× مقدمه

در جلسات قبل اصطلاحات مدل ارزیابی تعریف گردیدند و احتمالاتی پیرامون تنظیم مدل بررسی گردید. در این جلسه هم ابتدا انتظارات از مدل ارزیابی بررسی می‌گردد و سپس مروری دوباره به تعریف اجمالی بعضی از اصطلاحات مدل ارزیابی صورت می‌گیرد.

۱- انتظارات از مدل ارزیابی

تا گستره انتظارمان را از مدل مشخص نکنیم نمی‌توانیم صحبت از تنظیم مدل کنیم.

اولا مشخص است که در این ارزیابی، ما بدنبال ارزیابی روش نقد، در نقدهای

۴۰ گزارش نشست‌های پژوهشی پیرامون ارزیابی نقدهای برنامه دوم توسعه

بر برنامه دوم توسعه هستیم و کاری به متن و محتوای نقدها نداریم. ثانیاً: ما بدنبال طبقه‌بندی جامعی از نقدها نیستیم و تنها نقدها را در سه دسته کلی، بخشی و موضوعی دسته‌بندی می‌کنیم.

حال صحبت بر سر اینستکه آیا این مدل ارزیابی روشهای نقدها، مدلی جامع است که در سه سطح نقد می‌آید یا تنها در یک سطح قابل جریان است؟ نسبت به این مطلب سه احتمال زیر مطرح است:

احتمال اول: این مدل ارزیابی فقط مدل نقدهای کلی می‌باشند اما بررسی نقدهای بخشی و موضوعی مدل ارزیابی خاص خودشان را باید بدست بیاوریم.
احتمال دوم: این مدل ارزیابی، مدل جامع می‌باشد که می‌توان بر اساس آن سه سطح از نقد را ارزیابی کنیم.

احتمال سوم: این مدل ارزیابی، مدل عامی می‌باشد که در هر سطح باید اوصاف آن متناسب با همان سطح تعریف گردد.

البته با جلو رفتن بحث و مشخص شدن مدل ارزیابی، گزینش یکی از این سه احتمال راحت‌تر می‌باشد ولی در بدو امر به نظر می‌رسد که احتمال سوم، امکان تحقق داشته باشد، یعنی بتوانیم اوصاف را بگونه‌ای تعریف کنیم که در هر سطح با قید خاص همان سطح تعریفی دوباره گردند.

البته باید توجه داشت که ما در این ارزیابی با چهار سطح از نقدها در ارتباط می‌باشیم؟

الف) نقد مهندسی توسعه: یک سطح از نقدهایی که فراتر از برنامه می‌باشند و نسبت به فرآیند توسعه نظر داده‌اند به اینکه فرآیند توسعه در ایران با چه موانعی روبرو بوده است؟

ب) نقد کل برنامه: در این سطح تنها برنامه کشور به طور عام از ابتدا تا الان مورد نقادی قرار می‌گیرد.

ج) نقد بخش برنامه: در این سطح تنها بخشی از برنامه کشور مورد نقد صورت می‌گیرد مثلاً نقد بخش فرهنگ.

د) نقد یک موضوع از برنامه: در این سطح - که پائین‌ترین سطح نقد می‌باشد - موضوعات خرد برنامه مورد نقد قرار می‌گیرند.

حال با توجه به این سطوح نقد باید مدل ارزیابی ما بگونه‌ای باشد که بتواند تمامی این سطوح را مورد ارزیابی قرار دهد.

۲- بررسی اجمالی تعاریف اوصاف مطرح شده در جلسات گذشته جهت تنظیم

مدل

در جلسات گذشته بعضی از اصلاحات مورد نیاز جهت تنظیم مدل به صورت استقرایی بیان گردید. حال در این مرحله باید نگاهی دوباره به این تعاریف داشته باشیم و در ضمن مابه‌الاشتراک و مابه‌الاختلاف این تعاریف را مشخص کنیم تا در آینده بتوانیم از اوصاف شامل مدل ارزیابی را بدست آوریم. البته شاید در این بررسی به عوامل دیگری برخورد کنیم که نیاز باشد در مدل ارزیابی از آن عوامل استفاده کنیم.

- تعریف اصطلاح جهان‌بینی

اولین اصطلاح از بین سه اصطلاح در «جهان‌بینی، استراتژی، نظام وابستگی» اصطلاح جهان‌بینی می‌باشد. این سه بر روی هم علل طولی پیدایش برنامه و به عنوان مبانی برنامه مطرح می‌باشند.

جهان‌بینی نگرش نسبت به جهان، جامعه، تاریخ و انسان می‌باشد و در آن تعریف تکامل و توسعه انجام می‌گیرد.

حال ارزیابی نقدها در این قسمت بدین معناست که نسبت به نقدها دقت می‌کنیم به اینکه آیا اصلاً توجهی به جهان‌بینی حاکم بر برنامه داشته‌اند یا خیر؟ و یا در صورت عدم توجه آیا روش نقد آنها بر اساس جهان‌بینی خاص می‌باشد ولو خود

آنها غافل از این نکته باشند.

این نکته مشخص است که هدف برنامه تنظیم رفتارهای اجتماعی می‌باشد و لذا برنامه موفق، برنامه‌ای است که بتواند در این تنظیم به جهان‌بینی حاکم بر رفتار مردم دقت داشته باشد و در آن راستا تنظیمات خود را صورت دهد و اگر برنامه‌ای مبتنی بر جهان‌بینی علمی خاص صورت بگیرد و آن جهان‌بینی تعارض با جهان‌بینی حاکم بر رفتار مردم داشته باشد آن برنامه هیچگاه نمی‌تواند موفق عمل کند.

البته باید توجه داشت که در بین نقدهای موجود کمتر نقدی می‌توان یافت که برنامه را از زاویه جهان‌بینی حاکم بر برنامه نقد کرده باشند و لذا این خانه در مدل ارزیابی ما خالی می‌ماند. بله اگر بتوانیم جهان‌بینی حاکم بر نقد ناقدین را بدست بیاوریم ولو نقد او در سطوح دیگر باشد، کار ارزشمندی می‌باشد هر چند نیاز به دقت و کار زیاد دارد.

- تعریف اصطلاح استراتژی

دومین اصطلاح، استراتژی می‌باشد. استراتژی به معنای بیان جریان تکامل می‌باشد. یعنی در جهان‌بینی تعریف تکامل صورت می‌گیرد و در استراتژی بر اساس آن جریان تکامل در عالی‌ترین سطح ترسیم می‌گردد. مثلاً در جهان‌بینی تکامل به تقرب معنا می‌شود و استراتژی به معنای بیان ابزار رسیدن به تقرب می‌باشد. آیا با اصالت سود یا اصالت سرمایه در جامعه می‌توان بستر تقرب ایجاد کرد یا خیر؟

- تعریف اصطلاح نظام وابستگی

نظام وابستگی به معنای مدل رفتار اجتماعی می‌باشد که این مدل بر اساس استراتژی تنظیم می‌گردد.